

عنوان مقاله:

موقعیت های ایزوتوپیک سرمایه داری: امکان انقلاب در فلسفه شیروفرنیک دلوژ-گتاری

محل انتشار:

دوفصلنامه فلسفه، دوره 21، شماره 2 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسندگان:

Mahdi Momeninia - گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

Asghar Vaezi - گروه فلسفه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در فلسفه شیروفرنیک یا انتو-اتیکو-استتیک دلوژ-گتاری، هستی ارتباطی وثیق با زیباشناسی و اخلاق دارد؛ و این یعنی برقراری پیوندی انقلابی و بدیع میان حوزه هایی که پیشتر منفک از یکدیگر دیده می شدند. چنین نگرشی به هستی، مستلزم بازنگری در حوزه های پیشاپیش موجود است؛ این نگرش همچنین مستلزم نقد هر نهاد آموزشی، اجتماعی و درمانی ای است که در روند آفرینش گر ماشین های میل گر و امیال شیروفرنیک و انقلابی مانع ایجاد می کند و سعی در سرکوب آن و القای الگویی غیر درون ماندگار دارد. از آنجا که ماشین سرمایه داری و تمام مجموعه ها و آپاراتوس های تابع آن امیال شیروفرنیک ماشین های میل گر را محدود می سازد، لذا بیش از هر نهاد دیگری نیازمند نقد است؛ این در حالی است که نقد و تحلیل نهادهای سرکوب گر و سرمایه محور بسیار دشوار خواهد بود، زیرا این نهادها تمایلی وصف ناشدنی در جهت آکسیوماتیک کردن هر امری -حتی انقلاب و هر آنچه مرتبط با فلسفه های شیروفرنیک است- دارند. در این پژوهش می کوشیم ضمن طرح مسیر انقلابی فلسفه ژیل دلوژ و فلیکس گتاری و نقدهای آن بر نظام های سرکوب گر و آپاراتوس های ذیل آن، نقش مفاهیم بنیادینی چون بس گانگی و سوپزکتیویته را تحلیل کنیم و تقابل حاصل شده میان فلسفه انقلابی و نهادهای سرکوب گر را در بحث از امکان انقلاب و خروج از موقعیت های ایزوتوپیک سرمایه داری بررسی و ارزیابی نماییم

کلمات کلیدی:

دلوژ، گتاری، موقعیت های ایزوتوپیک، میل، انقلاب

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1941404>

